**باسمه تعالی**

موضوع: قاعده لا ضرر/مفاد قاعده /ضرار

خلاصه مباحث گذشته:

برخلاف مشهور نظر مرحوم اصفهانی بر این بود که مفاعله متقوم به مشارکت نیست نه با الاصالة و نه بالتبع، بلکه حق این است که مفاد هیئت مفاعله تعدیه است، که این تعدیه در افعال لازم باعث متعدی شدن فعل می شود به همان مفادی که به واسطه ادات متعدی می شود و در افعال متعدی هم به همان نحوی که به واسه ادات دو مفعولی می شود به واسطه این باب نیز متعدی می شود، اما در مواردی که قابلیت این تعدی هم نیست یک نوع قصد و عمدی را در معنای فعل اخذ می کند.

## کلام مرحوم خویی در مورد معنای «ضرار»

مرحوم خویی در مقام حق را با مرحوم اصفهانی می داند و بیانی دارد که به نظر، تلقی ایشان از کلام مرحوم اصفهانی، غیر از آن چیزی بود که گذشت که صحیح نیست.

ایشان می فرماید مفاد این هیئت وقوع ماده نیست، به عنوان مثال قاتل به معنای به صدد آمدن و اراده کردن است اعم از این که این فعل محقق هم بشود یا نه، لذا تفاوت مفاعله با متعدی ثلاثی مجرد در نظر مرحوم خویی همین است، یعنی مجرد صرف وقوع و تحقق فعل بر خلاف هیئت مفاعله، حال آن که بنابر آن چه که گذشت از بیان مرحوم اصفهانی مراد ایشان امر دیگری بود.

آن چه مرحوم اصفهانی را وادار به این بیان نموده است کثرت استعمالات هیئت مفاعله در مواد متعددی در غیر معنای مشارکت در قرآن و غیر آن بوده است، مانند آیات «يُخادِعُونَ اللَّهَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا»[[1]](#footnote-1) و «وَ مَنْ يُهاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»[[2]](#footnote-2) و «وَ نادَيْناه‏»[[3]](#footnote-3) که در برخی از این موارد، اراده مشارکت صحیح نیست اما در برخی موارد این معنا منظور نمی داند کما این که در «نادینا» مراد رد و بدل شدن نداء نیست، بنابراین وقتی استعمال در غیر این معنا شایع است نمی توان اصل در این هیئت را مشارکت دانست.

## دفاع از مشهور

آن چه مشهور می گویند در مورد این که هیئت مفاعله دال بر مشارکت است مربوط به جایی می شود که ثلاثی مجرد در همان معنای فعل استعمال شده در باب مفاعله داشته باشد، کما این قاتل و ضارب این خصوصیت را دارند و جمله ای از موارد استعمال مفاعله در غیر مشارکت مربوط به مواردی است که مجرد آن وجود ندارد مثل فعل نادا یا این که ثلاثی مجرد آن وجود دارد ولی معنای دیگری غیر از مفاعله دارد مثل نازل که ثلاثی مجرد آن معنای دیگری دارد.

### اشکال: بقاء اشکال با وجود این دفاع

ولکن با این بیان نیز باز اشکال باقی است چرا که عده ای از استعمالات با وجود این که ثلاثی مجرد در همان معنای فعل استعمال شده در باب مفاعله دارد، ولی در هیئت مفاعله آن ها معنای مشارکت دخیل نیست، کما این که فعل خادع این گونه است، لذا با وجود این دفاع هم اشکال به مشهور باقی است.

## اشکال به مرحوم اصفهانی: تفاوت معنا بین تعدیه به ادات با تعدیه به باب مفاعله

تعدیه ای که در کلام مرحوم اصفهانی آمده است، همان مفاد تعدیه به واسطه ادات است، اما جا دارد به ایشان عرض شود که بین "جلست الی زید" با "جالست" تفاوت وجود دارد به این بیان که "جلست الی زید" مفادش تخصص و محدود کردن مفهوم کلی به حصه ای است حال آن که "جالست" به معنای همراهی و مشارکت نمودن است ولو این که در حال ایستاده این همراهی صورت گرفته باشد، یعنی جلوس در ثلاثی مجرد جلوس در مقابل قیام است بر خلاف جلوس در "جالست" که به معنای هم نشینی و اعم از قیام و قعود است.

1. . البقرة: 9. [↑](#footnote-ref-1)
2. . النساء: 100. [↑](#footnote-ref-2)
3. . مريم: 52. [↑](#footnote-ref-3)